

Investigating the Factors Affecting Parenting Style: A Qualitative Research

Naseri Fadafan M¹, *Nouhi Sh², Aghaei H², Sabouri MS³

Author Address

1. PhD Student in Psychology, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran;

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran;

3. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education Engineering, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

Corresponding Author Email: psymut.sh@shahrood.ac.ir

Received: 2022 November 20; Accepted: 2023 January 7

Abstract

Background & Objectives: The family is the first and most important institution in human history and civilization, and it is the most suitable platform for finding human capabilities, talents, and abilities, which play an essential role in the formation of human personality. The type and method of education with the parenting style are among the main elements with its dynamic and influential processes within the family. The effects and consequences of parenting style have been considered on children's mental health and social behavior. Parenting styles are influenced by cultural, social, political, economic, and other factors. It seems that the emotional aspects of parent-child relationships play an important role in shaping children's behaviors and social views. Also, the parenting style can significantly influence children's social acceptance process. So, this research aims to investigate the influencing factors on parenting style using qualitative research method.

Methods: The present study was a qualitative type of foundational data theory. The statistical population of the current research comprises parents with primary school children studying in the academic year 2019–2020 who met the conditions for participation in the study. The parents who are not divorced or about to divorce and volunteered to participate in the research were invited to participate in the interview. The sampling method was purposeful and selected from the list of parents willing to cooperate. Then the parents were contacted, and a semi-structured and interactive interview was conducted randomly with the parents who were willing to cooperate. Sampling continued until the data saturation, and no new information was obtained during the interviews. The data were collected through in-depth and semi-structured interviews in schools. The duration of each interview varied from 45 to 60 minutes, depending on the conditions of the participants. During the interview, the conversations were recorded with the permission of the interviewees to check the information carefully. After interviewing 8 parents (5 mothers and 3 fathers), theoretical saturation was obtained. Among the ethical considerations observed were voluntary participation, assuring parents about the confidentiality of their conversations, and deleting audio files after writing them down. Strauss and Corbin's objectivist approach (2008) was used to inductively analyze the data, and micro-analysis was carried out at three levels: open coding, axial coding, and selective coding.

Result: During this research, 12 themes, each of which contains several sub-themes, were extracted. The core codes are parents' perceived parenting style, parents' religious orientation, marital conflicts, relatives' involvement, parents' responsiveness, father's role, economic conditions, childhood injuries, personality traits, physical problems, guilt, and parental expectations.

Conclusion: Various factors affect the parenting style of parents. These factors sometimes have a positive and sometimes a negative effect. Therefore, knowing and understanding them can improve the parenting style of parents.

Keywords: Parenting, Qualitative research, Family.

شناخت عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری: یک پژوهش کیفی

ملکه ناصری فدافن^۱، *شهناز نوحی^۲، حکیمه آقایی^۲، محمدصادق صبوری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران؛

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران؛

۳. دانشیار گروه آموزشی مهندسی ترویج و آموزش کشاورزی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

*رایانامه نویسنده مسئول: Psnuri.sh@shahrood.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۹ آبان ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۷ دی ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: نوع و شیوه تربیتی با سبک فرزندپروری والدین، از عناصر اصلی و فرایندهای پویا و تأثیرگذار درون خانواده به‌شمار می‌رود که آثار و تبعات آن بر سلامت روانی و رفتار اجتماعی فرزندان مدنظر قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، شناخت عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری به‌روش پژوهش کیفی بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد بود. این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت. جامعه مطالعه شده پژوهش حاضر را والدین دارای کودک دبستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که شرایط حضور در مطالعه را داشتند. هشت مادر دارای کودک ۱۲ تا ۶ ساله ساکن در شهر شاهرود، دیدگاه‌های خود را درباره عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری به بحث گذاشتند. مکالمات ضبط و سپس با استفاده از روش‌های کدگذاری باز و بسته و انتخابی تحلیل شد. به‌منظور تحلیل استقرایی داده‌ها، رویکرد عینی‌گرای استراوس و کوربین (۲۰۰۸) به‌کار رفت.

یافته‌ها: طی این پژوهش، دوازده مضمون استخراج شد. کدهای محوری شامل سبک فرزندپروری ادراک‌شده والدین، جهت‌گیری مذهبی والدین، تعارضات زناشویی، دخالت اقوام، پاسخ‌دهی والدین، نقش پدر، شرایط اقتصادی، آسیب‌های دوران کودکی، ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات جسمی، احساس گناه و انتظارات والدین بود.

نتیجه‌گیری: عوامل مختلفی بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد. این عوامل گاهی تأثیر مثبت و گاهی تأثیر منفی دارد؛ بنابراین شناخت و فهم آن‌ها می‌تواند موجب بهبود هرچه بیشتر سبک فرزندپروری والدین شود.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، تحقیق کیفی، خانواده.

اولین محیط و سیستمی که کودک با آن مواجه می‌شود، خانواده^۱ است (۱). کودک تصورات اولیه درباره جهان هستی را در خانواده می‌آموزد و مراحل رشد جسمانی و روانی و اجتماعی را در محیط خانواده طی می‌کند (۲). رشد کودک در تمامی جنبه‌ها باید از سوی اعضای خانواده به رسمیت شناخته شود (۳). هر خانواده به‌نوبه خود دارای سبک فرزندپروری^۲ به‌خصوصی است که این سبک تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد (۴، ۵). سبک‌های فرزندپروری که به‌طور کلی به‌عنوان رویکردها و باورها و رفتارهای والدینی تعریف می‌شوند، لحن عاطفی رابطه والد-کودک را تعیین می‌کنند (۶). فرزندپروری و تربیت کودکان از وظایف بسیار مهمی است که والدین بر عهده دارند. وظیفه آن‌ها سازندگی، آفرینندگی و سازمان‌دادن فرزند در جهت رسیدن به انسانی متحرک و مؤثر است تا برای بقای وجود، صیانت نفس و انجام وظایف والدینی و اجتماعی آماده شود. شیوه‌های فرزندپروری باید با در نظر گرفتن اصول و قوانین مشخص‌شده باشد تا مشکلات حل‌نشده‌ای را با گذشت زمان برای فرزند به‌وجود نیاورد (۷). فرزندپروری رفتارهایی است که در ارتباط با یکدیگر بر چگونگی رشد کودک در همه ابعاد تأثیر می‌گذارند (۸).

بامریند (۱۹۶۷، ۱۹۷۸، ۱۹۹۱) والدین را براساس دو بُعد پاسخ‌گویی^۳ و تقاضا^۴ طبقه‌بندی کرد و سه نوع مختلف از سبک‌های فرزندپروری را تعریف نمود: سبک مقتدرانه^۵ با پاسخ‌گویی و تقاضای زیاد؛ سبک استبدادی^۶ با پاسخ‌گویی کم و تقاضای زیاد؛ سبک سهل‌گیرانه^۷ با پاسخ‌گویی زیاد و تقاضای کم (به نقل از ۹). تقاضا و توقع داشتن، سطحی از کنترل است که والدین بر فرزندان خود اعمال می‌دارند (۱۰). والدین در این بُعد به‌وسیله داشتن تقاضای مناسب و وضع مقررات و قوانین به یکپارچگی خانواده کمک می‌کنند (۱۱). پاسخ‌گویی شامل گرمی و عواطف مثبتی است که از طرف والدین به فرزندان نشان داده می‌شود (۱۰). این جنبه از فرزندپروری به ایجاد احساس حمایت در عین استقلال‌دادن به آن‌ها اشاره دارد (۱۲).

سبک‌های فرزندپروری متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است (۱۲). همچنین به‌نظر می‌رسد، سبک فرزندپروری براساس سبک یادگیری خود والدین که در دوره کودکی از آن متأثر بوده‌اند و نیز باورها و ارزش‌های آن‌ها، شکل می‌گیرد (۱۳). مطالعات متعدد ویژگی‌های متفاوتی را به‌عنوان مؤلفه‌های مرتبط با سبک‌های فرزندپروری ذکر کرده‌اند. رفاهی و طاهری در پژوهشی به بررسی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران براساس طرح‌واره‌های اولیه و سبک‌های دل‌بستگی آنان پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سبک آسان‌گیر و استبدادی رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۲). همچنین طرح‌واره‌های طرد و گوش‌به‌زنگی می‌توانند سبک فرزندپروری مقتدرانه را پیش‌بینی کنند (۱۴). دوانیتا و ماریا در پژوهشی نشان دادند، والدین دل‌بسته‌نایمن برای پرورش فرزندان خود سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه را انتخاب

می‌کنند؛ درحالی‌که والدین دل‌بسته‌ایمن به‌سبک فرزندپروری مقتدرانه تمایل دارند (۹). همچنین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر رفتار و شناخت و احساسات افراد تأثیر می‌گذارد (۱۵). گوروستیاگا و همکاران دریافته‌اند، گرمی والدین، کنترل رفتاری و اعطای خودمختاری با علائم درونی در نوجوانان رابطه معکوس دارد. برعکس، کنترل روان‌شناختی و کنترل شدید والدین با اضطراب و افسردگی و افکار خودکشی نوجوانان دارای ارتباط مثبت است (۱۶). عابدینی بلترک و میرشمسی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزندپروری با سلامت روان و مشکلات روان‌شناختی همبستگی وجود دارد (۷). میشر و کایران در پژوهش خود دریافته‌اند، ابعاد سلامت روان (افسردگی، اضطراب و...) می‌تواند بر نوع سبک فرزندپروری والدین تأثیرگذار باشد (۱۷). برایانت و همکاران در پژوهشی بر ۴۱۱ نفر از پناهندگان استرالیا مشخص کردند، والدینی که دچار اختلال استرس پس از سانحه هستند، در سبک فرزندپروری سخت‌گیر نمره بیشتری به‌دست می‌آوردند (۱۸). ملتفت و همکاران در تحقیق خود نشان دادند، بین خلاقیت عاطفی والدین و سبک فرزندپروری رابطه معناداری وجود دارد (۱۹). ژانگ و همکاران دریافته‌اند، والدین مقتدر درحالی‌که روش‌های کنترلی را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند، درباره انجام آن توضیح می‌دهند و روش‌های تقویتی را برای تغییر رفتار کودکان خود به‌کار می‌برند؛ به‌همین دلیل با به‌کاربردن شیوه فرزندپروری مقتدرانه، سلامت روان ارتقا و بهبود می‌یابد (۲۰). زارع‌نژاد و بلاغت نیز در پژوهشی نشان دادند، تیپ شخصیتی والدین با سبک فرزندپروری آنان رابطه دارد (۲۱).

در تحقیقات قبلی ارتباط بین والدین و سازگاری نوجوانان به‌خوبی ثابت شده است؛ اما توجه کمی به شناسایی و درک فرایندها و عوامل مؤثر در توسعه فرزندپروری، صورت گرفته است. باتوجه به مطالب مذکور و اینکه اکثر تحقیقات در حوزه فرزندپروری از طریق روش‌های تحقیق کمی انجام شده است، شیوه‌های فرزندپروری والدین و عوامل مؤثر در آن از موضوعات کلیدی پژوهش بود که شناخت این عوامل تأثیرگذار بر سبک‌های فرزندپروری به شناخت هرچه بیشتر خانواده‌ها و تأثیرپذیری آن‌ها از این عوامل منجر می‌شود. اگر این عوامل شناسایی نشود، ممکن است مشکلات بسیاری برای فرزندان خانواده‌ها به‌وجود آید که جبران آن‌ها غیرممکن باشد؛ ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های کیفی باید مطالعات کمی را تکمیل کنند تا مطالب مربوط به حوزه فرزندپروری عمیق‌تر فهمیده شود. به‌منظور به‌دست‌آوردن اطلاعات در این زمینه باید روش‌های مناسب و عمقی‌نگر کیفی به‌کار رود. بدین‌لحاظ به‌منظور دستیابی به اطلاعات گسترده بومی از پژوهش کیفی استفاده شد. این روش از تجربه‌های جهان واقعی به‌سوی تعریف مفاهیم و ایجاد روابط علی حرکت می‌کند که این رهیافت اجازه می‌دهد دامنه وسیعی از داده‌ها تهیه شود. باتوجه به آنچه بیان شد، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر سبک فرزندپروری والدین بود.

۵. Authoritative style

۶. Authoritarian style

۷. Permissive style

۱. Family

۲. Parenting style

۳. Responsiveness

۴. Demand

۲ روش بررسی

که البته بعضی از سؤال‌ها در حین جمع‌آوری اطلاعات تغییر یافت و کامل‌تر شد. سؤالات طوری طراحی شد تا با پاسخ‌گویی بتوان به مسائلی چون عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری والدین، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها پاسخ گفت. بین هر مصاحبه فاصله زمانی کافی وجود داشت تا در این فاصله، بتوان مصاحبه‌ها را نوشت و تحلیل و کدگذاری کرد. نویسنده اول ابتدا به صورت دقیق چندین بار متن مصاحبه‌ها را به طور کامل خواند. این امر منجر شد که او نمایی کلی از متن کامل و منطق کلی مصاحبه داشته باشد. در این مسیر، وی سعی کرد در داده‌ها غوطه‌ور شود و فهمی کلی از داده‌ها کسب کند. وقتی سه یا چهار مرتبه متن مصاحبه‌ها خوانده شد، نویسنده اول فرایند کدگذاری را شروع کرد. شروع کدگذاری توسط کدگذاری باز صورت گرفت؛ اما به طور کلی از دو نوع کدگذاری باز و محوری باهم استفاده شد. برای اطمینان از قابلیت اعتمادپذیری داده‌ها نویسنده اول از روش مثلث‌سازی استفاده کرد؛ یعنی زمانی که داده‌ها از مصاحبه‌ها استخراج شد و کدگذاری انجام گرفت، وی برای اطمینان، نتایج به دست آمده را با متخصصان در حوزه فرزندپروری در میان گذاشت و به پیشینه پژوهش‌های موجود در حوزه فرزندپروری نیز مراجعه کرد. پس از اطمینان از قابلیت اعتمادپذیری داده‌ها، هر چند مفهوم در قالب یک مضمون قرار گرفت تا دوازده مضمون سطح دوم در این پژوهش به دست آمد. از میان این دوازده مضمون، آن مضمونی که بر تمامی مضمون‌ها تأثیر داشت، به عنوان مضمون مرکزی انتخاب شد و در کنار موارد دیگر، اجزای نظریه گراند به دست آمده از پژوهش را تشکیل دادند.

۳ یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان آورده شده است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام مستعار	تعداد فرزندان	وضعیت شغلی	سن
۱	مریم	۲	خانه‌دار	۴۵
۲	زهره	۲	خانه‌دار	۴۴
۳	فاطمه	۲	شاغل	۳۷
۴	اکرم	۳	خانه‌دار	۴۹
۵	سمیه	۱	خانه‌دار	۳۲
۶	علی	۱	شاغل	۳۳
۷	مهدی	۲	شاغل	۴۸
۸	حسین	۲	شاغل	۴۰

موضوع مشخص شد. سپس به شیوه مقایسه مداوم از دل چندین کد یک مضمون استخراج گردید و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند تا در نهایت دوازده مضمون به دست آمد. کدگذاری سطح اول: در این گام، به همه نکات کلیدی و مهم مصاحبه‌ها برچسب‌های مفهومی (کدگذاری باز) مناسبی داده شد. سپس، آن‌ها در یک جدول قرار گرفتند. در اینجا کدگذاری باز یکی از مصاحبه‌ها آورده شده است (جدول ۲).

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش را والدین دارای کودک دبستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که شرایط حضور در مطالعه را داشتند؛ یعنی از والدین داوطلب شرکت در تحقیق که مطلقه یا در شرف طلاق نبودند، دعوت شد در مصاحبه حضور داشته باشند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود و از روی فهرست، والدین حاضر به همکاری انتخاب شدند. سپس با والدین تماس گرفته شد و با والدین مایل به همکاری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تعاملی صورت گرفت. نمونه‌گیری تاحد اشباع مضمون یعنی تا آنجا که در جریان مصاحبه‌ها هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیاید، ادامه یافت. داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته در مدارس جمع‌آوری شد. مدت زمان هر مصاحبه بسته به شرایط شرکت‌کنندگان از ۴۵ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. در طول مصاحبه، مکالمات با اجازه مصاحبه‌شوندگان به منظور بررسی دقیق اطلاعات ضبط شد. فرایند مصاحبه تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع نظری پس از مصاحبه با هشت نفر از والدین (پنج مادر و سه پدر) به دست آمد. از جمله ملاحظات اخلاقی رعایت شده مشارکت داوطلبانه، رازداری، دادن اطمینان خاطر به والدین درباره محرمانه ماندن صحبت‌های آنان و حذف فایل‌های صوتی پس از پیاده‌شدن روی کاغذ بود. به منظور تحلیل استقرایی داده‌ها، رویکرد عینی‌گرای استراوس و کوربین به کار رفت که تحلیل خرد در سه سطح کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام پذیرفت (۲۲).

برای انجام مصاحبه‌ها سؤال‌های نیمه‌ساختاریافته یا سؤال‌های با انعطاف‌پذیری متوسط طراحی شد. سعی بر آن بود پاسخ‌های واقعی مصاحبه‌شونده بیشتر کاوش شود تا مسیر پژوهشی مطرح شده از جانب مصاحبه‌شونده؛ بنابراین، از تمامی افراد سؤال‌های مشابهی پرسیده شد

جدول کدگذاری باز

جدول‌های ۲ و ۳ شامل دو جدول است؛ جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها (مضمون سطح اول) شامل جدول ۲ و طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها (مضمون سطح دوم) شامل جدول ۳ می‌شود. نتیجه کدگذاری دومرحله‌ای داده‌های گردآوری شده، به شیوه‌های مختلف استخراج شد. مطابق فرایند روش شناختی، نخست از دل داده‌های اولیه کدهای مرتبط با

جدول ۲. کدگذاری سطح اول

ردیف	کدگذاری سطح اول مصاحبه اول
۱	پدر و مادرم سخت‌گیر بودند.
۲	افکار و عقاید با پدر و مادرم متفاوت بود.
۳	نوع رابطه من با والدینم در زمان کودکی روی رابطه من با فرزندانم تأثیر گذاشته است.
۴	افکار خانواده خودم با خانواده همسرم خیلی فرق دارد.
۵	در خانواده من، اول تربیت مهم بود و بعد خواسته‌های کودک؛ ولی خانواده همسرم خواسته‌های کودک را ترجیح می‌دادند.
۶	نباید به همه خواسته‌های فرزندان توجه داشت.
۷	نظر همسرم با من در تربیت فرزندان متفاوت است.
۸	پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها خیلی در تربیت ما دخالت می‌کنند.
۹	پسرم بیشتر از من (مادر) حرف‌شنوی دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می‌گرفت.
۱۰	پدر و مادر خوب، پدر و مادری است که خواسته‌های فرزندشو بتونه برآورده کنه.
۱۱	همین که بقیه و اجتماع ازش راضی باشن، یعنی ما پدر و مادر خوبی بودیم.
۱۲	در کودکی مادر و پدر زیاد به ما بها نمی‌دادند.
۱۳	پسرم بیشتر اهل صحبت کردنه.
۱۴	پسرم همیشه به پدرش تذکر می‌ده که اگر مثل مامانم باهام آرام صحبت کنی، بیشتر گوش می‌دم.
۱۵	برای انجام نماز و روزه من بیشتر به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش.
۱۶	والدین خودم خیلی سخت‌گیری مذهبی داشتند.
۱۷	گاهی اوقات پسرم را تنبیه کردم.
۱۸	درست و غلط رو از پدر و مادرمون یاد گرفتیم.
۱۹	پدر خیلی توی مسائل پسرم دخالت نمی‌کنه.
۲۰	گاهی نمی‌تونیم خیلی از خواسته‌های فرزندانمان را انجام دهیم؛ ولی بیشتر اوقات پسرم درک می‌کند و لجبازی نمی‌کند.

کدگذاری سطح دوم (متممکن): در این مرحله، به علت فراوانی کدها، کدهای کدگذاری‌های اولیه به کدهای ثانویه تبدیل شد و کدهای مشابه در یک طبقه قرار گرفت؛ به‌طوری‌که چند کد ثانویه به یک کد مفهومی تبدیل شد. در جدول ۳، نتایج کدگذاری باز براساس کدهای مفهومی و

جدول ۳. مفهوم‌ها و مضامین برگرفته از داده‌ها (کدگذاری سطح دوم)

ردیف	مضمون سطح دوم	کدگذاری محوری	مضمون مرکزی
۱	پدر و مادرم سخت‌گیر بودند.		
۲	با والدینم صمیمی نبودم.		
۳	والدینم نیازهایم را رفع می‌کردند.		
۴	نیازهای عاطفی ما برطرف نمی‌شد.	سبک فرزندپروری	
۵	مادرم خیلی سخت‌گیری داشت در رابطه ما.	ادراک‌شده والدین	
۶	من با مادرم خیلی دوست بودم و این رو به فرزندانم هم یاد دادم.		
۷	با والدینم راحت نبودم.		
۸	نوع رابطه من با والدینم در زمان کودکی روی رابطه من با فرزندانم تأثیر گذاشته است.		
۹	افکار و عقاید از نظر مذهبی با پدر و مادرم متفاوت بود.		احساس
۱۰	برای انجام نماز و روزه من بیشتر به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش.		ناشیستگی از
۱۱	والدین خودم خیلی سخت‌گیری مذهبی داشتند.		والد بودن
۱۲	بچه‌ها از اول اعمال مذهبی رو از من و پدرشان دیدند و یاد گرفتند.	جهت‌گیری مذهبی والدین	
۱۳	من برخلاف مادرم فرزندانم را در امور مذهبی آزاد گذاشتم.		
۱۴	به دخترم اجبار نمی‌کنم حجاب داشته باشه.		
۱۵	دوست دارم فرزندانم آزادانه اعتقادات مذهبی را انتخاب کنند.		
۱۶	افکار خانواده خودم با خانواده همسرم خیلی فرق دارد.		
۱۷	در خانواده من اول تربیت مهم است، بعد خواسته‌های کودک؛ ولی خانواده همسرم خواسته‌های کودک را ترجیح می‌دادند.	تعارضات زناشویی	
۱۸	نظر همسرم با من در تربیت فرزندان متفاوت است.		

	وقتی با همسرم قهر هستم رفتار بچه‌ها عوض می‌شود.	۱۹
	وقتی حق با همسرم نیست، خیلی عصبانی می‌شوم.	۲۰
	نباید به همه خواسته‌های فرزندان توجه داشت.	۲۱
	اجازه استفاده از گوشی و تبلت را به فرزندانم نمی‌دهم.	۲۲
پاسخ‌دهی والدین	پدر و مادر خوب نیازهای فرزندان را برآورده می‌کنند.	۲۳
	پدر و مادر خوب باید مهربان باشد. فرزند خودشو درک کنه.	۲۴
	پدر و مادر خوب پدر و مادریه که خواسته‌های فرزندشو بتونه برآورده کنه.	۲۵
	پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها خیلی در تربیت ما دخالت می‌کنند.	۲۶
دخالت اقوام	درست و غلط رو از پدر و مادرمون یاد گرفتیم.	۲۷
	من کلاً با مادرم کاری نداشتم و راه خودم را در زندگی می‌رفتم.	۲۸
	من اصلاً دلم نمی‌خواست روش والدینم را پیاده کنم.	۲۹
	پسرم بیشتر از من (مادر) حرف‌شونی دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می‌گرفت.	۳۰
	پدر خیلی توی مسائل پسرم دخالت نمی‌کنه.	۳۱
نقش پدر	دخترم با پدرش رابطه خوبی ندارد.	۳۲
	همسرم سخت‌گیر است.	۳۳
	بچه‌ها با من راحت‌ترند تا پدرشان.	۳۴
	گاهی نمی‌تونیم خیلی از خواسته‌های فرزندانمان را انجام دهیم؛ ولی بیشتر اوقات پسرم درک می‌کند و لجبازی نمی‌کند.	۳۵
شرایط اقتصادی	به‌خاطر مسائل اقتصادی با همسرم به مشکل برخوردیم.	۳۶
	شرایط اقتصادی باعث شده نتوانم تمامی نیازهای فرزندانم را پاسخ بدهم.	۳۷
	در شرایط بد اقتصادی دختر بزرگم با شرایط کنار می‌آید؛ اما دختر کوچکم بهانه می‌گیرد.	۳۸
	در کودکی مادر و پدر زیاد به ما بها نمی‌دادند.	۳۹
	گاهی از مادرم کتک هم می‌خوردم.	۴۰
آسیب‌های دوران کودکی	مادرم در رابطه با اعمال مذهبی خیلی سخت‌گیری داشت.	۴۱
	وقتی بار اول پریود شدم آنقدر خجالت می‌کشیدم که به مادرم نگفتم.	۴۲
	بچه بودم از پدرم کتک می‌خوردم.	۴۳
	مورد بی‌توجهی والدین قرار می‌گرفتم.	۴۴
	پسرم همیشه به پدرش تذکر می‌ده که اگر مثل مامانم باهام آرام صحبت کنی، بیشتر گوش می‌دم.	۴۵
	پرخاشگری‌ام روی رابطه با فرزندانم تأثیر داشته است.	۴۶
ویژگی‌های شخصیتی	من به کارهای اجتماعی علاقه دارم و آدم صبوری هستم.	۴۷
	سریع ناراحت می‌شوم.	۴۸
	زود گریه می‌کنم.	۴۹
	خیلی زود از کوره درمی‌رم.	۵۰
مشکلات جسمی	پسرم لکنت زبان دارد و همین موضوع باعث شد، بیشتر به او توجه کنم.	۵۱
	دختر بزرگم افتادگی پلک دارد و در مدرسه مشکل پیدا می‌کرد.	۵۲
	با دخترم به مشکل برمی‌خورم.	۵۳
	از استقلال پسرم می‌ترسم.	۵۴
احساس گناه	در رابطه با دخترم احساس گناه می‌کنم.	۵۵
	از دخترم فاصله گرفتم.	۵۶
	گاهی اوقات نمی‌تونم قبول کنم که دخترم بیست‌ساله شده و فکر می‌کنم هنوز ده‌ساله است.	۵۷
	فرزندم باید به بزرگ‌تر خودش احترام بگذارد و قدردان زحمات پدر و مادرش باشه.	۵۸
انتظارات والدین	از فرزندم انتظار دارم صداقت داشته باشد.	۵۹
	فرزندم باید تمام قوانین خانه را قبول و رعایت کند تا در آینده هم بتواند به قوانین احترام بگذارد.	۶۰

در این قسمت سعی شد تا جریان اصلی تحقیق (جدول ۳) به‌طور بود. خلاصه بررسی شود. در این مسیر تلاش شد تا براساس مفاهیم و مضامین اصلی تحقیق، خط داستان حاکم بر پژوهش ارائه شود. موضوعات زیر بر سبک فرزندپروری افراد از جهات مختلف تأثیرگذار

۱. یکی از مسائل، سبک فرزندپروری ادراک‌شده والدین است. گاهی اوقات افراد در انتخاب نوع سبک فرزندپروری هر آنچه از پدر و مادر خود به‌یاد دارند، به‌کار می‌برند یا حتی برعکس می‌خواهند سبکی

مخالف سبک فرزندپروری والدین خود استفاده کنند؛ مانند مریم که عنوان کرد: «والدین من سخت‌گیر بودند؛ اما من دلم نمی‌خواهد با فرزندانم رفتاری سخت‌گیرانه داشته باشم».

۲. در برخی مواقع عقاید مذهبی، باورهای مذهبی و... نیز در سبک فرزندپروری دخالت می‌کند. ممکن است پافشاری به انجام اعمال مذهبی خود یک نوع از سخت‌گیری باشد که فرزندان را وادار می‌کند آن‌طور که والدین می‌خواهند رفتار کنند؛ مانند زهره که گفت: «برای انجام اعمال مذهبی، من به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش».

۳. تعارضات زناشویی از جمله عواملی است که وقتی والدین درگیر آن هستند یا به فرزندان توجه نمی‌کنند یا به علت خشمی که درگیر آن هستند، این خشم را به فرزندان خود منتقل می‌کنند؛ حتی فرزندان ممکن است با دیدن رابطه سرد پدر و مادر احساس ناامنی کنند؛ مانند اکرم که گفت: «وقتی با همسرم قهر هستم، رفتار بچه‌ها عوض می‌شود».

۴. افراط و تفریط در پاسخ‌دهی به نیازهای فرزندان از راهبردهایی است که والدین برای جبران فرزندپروری به‌کار می‌برند؛ برآورده‌کردن بیش‌ازحد نیازهای فرزندان بدون اینکه هیچ انتظاری از آنان داشته باشند یا برعکس بتوانند احساس رضایت از والد بودن را کسب کنند.

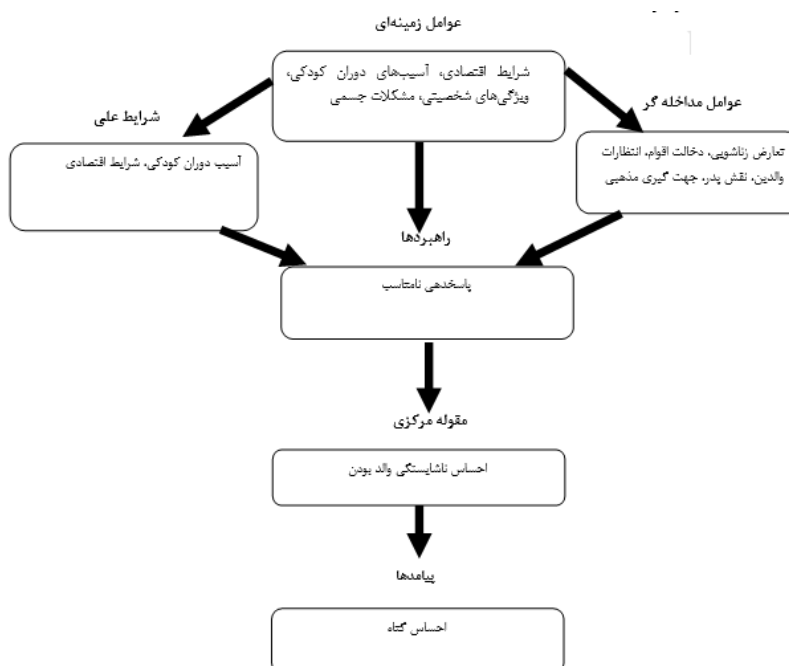
۵. برخی از والدین از دخالت اقوام و بستگان درجه اول در نوع انتخاب روش فرزندپروری خود شکایت می‌کنند؛ به‌خصوص بستگان درجه اول که ممکن است نظرات و دخالت‌های آنان اقتدار والدین را خدشه‌دار کند؛ مانند علی که گفت: «پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها خیلی در تربیت ما دخالت می‌کنند».

۶. همچنین در رابطه با فرزندپروری نمی‌توان منکر نقش پدر شد. با اینکه فرزندان بیشتر اوقات روز را با مادر می‌گذرانند، حضور پدر و همسوی بودن پدر و مادر با یکدیگر بر رابطه والد-فرزند تأثیرگذار است؛ به‌طور مثال زهرا گفت: «پسرم بیشتر از من (مادر) حرف‌شنوی دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می‌گرفت».

۷. مسئله مشترکی که می‌شود گفت بین تمام مصاحبه‌شوندگان وجود داشت، تأثیر شرایط بد اقتصادی بر سبک فرزندپروری بود. نبود امکانات و شرایط مالی ناپس‌امان منجر به پاسخ‌دهی ضعیف والدین می‌شود و این موضوع می‌تواند والدین را سرخورده کند و احساس ناشایسته‌بودن به آن‌ها دست دهد؛ به‌طور مثال مهدی عنوان کرد: «شرایط اقتصادی باعث شده نتوانم تمامی نیازهای فرزندانم را پاسخ دهم».

۸. گاهی اوقات تنبیه‌های دوران کودکی، آسیب‌ها، بی‌توجهی‌ها و... باعث می‌شود سلامت روان فرد آن‌قدر آسیب ببیند که همین موضوع به ارتباط با فرزندانش نیز آسیب بزند؛ به‌طور مثال حسین گفت: «بچه که بودم مورد بی‌توجهی والدین قرار می‌گرفتم و هنوز هم این موضوع مرا آزار می‌دهد».

۹. از سوی دیگر افراد با یکدیگر متفاوت هستند و نمی‌توان انتظار داشت همه افراد در شرایط یکسان رفتاری مشابه را نشان دهند؛ زیرا ویژگی شخصیتی افراد باهم متفاوت است و به‌همین دلیل نوع رابطه با فرزند نیز تفاوت دارد؛ به‌طور مثال زهرا گفت: «من آدم پرخاشگری هستم و پرخاشگری‌ام روی رابطه با فرزندانم تأثیر داشته است».



شکل ۱. مدل نهایی تحقیق مبتنی بر گرانددتئوری

۱۰. مشکلات جسمانی یا معلولیت‌هایی که فرزندان درگیر آن هستند، باعث توجه بیشتر والدین به آن‌ها و حتی پاسخ‌دهی افراطی می‌شود. گاهی اوقات نیز همین امر سبب می‌شود والدین از فرزندان دیگر غفلت کنند؛ به‌طور مثال فاطمه گفت: «پسرم لکنت زبان دارد و همین موضوع

باعث شد بیشتر به او توجه کنم». ۱۱. انتظاراتی که والدین از فرزندان دارند، باعث می‌شود رابطه با فرزندان صمیمی یا سرد باشد. اگر انتظارداشتن به‌قدری سخت باشد که به توانایی و نیازهای فرزند توجه نشود، صمیمیت بین والد-فرزند

کاهش می‌یابد؛ به‌طور مثال زهره گفت: «فرزندم باید تمام قوانین خانه را قبول و رعایت کند تا در آینده هم بتواند به قوانین احترام بگذارد».

۱۲. مسائلی که بر فرزندپروری والدین تأثیرگذار است و والدین به آن‌ها آگاه نیستند، اغلب باعث به‌وجود آمدن احساس گناه در والدین می‌شود؛ زیرا خود را مقصر شرایط نابسامان فرزندان یا مشکلات به‌وجود آمده می‌دانند؛ به‌طور مثال سمیه گفت: «در رابطه با دخترم احساس گناه می‌کنم؛ چون از او خیلی فاصله گرفتم».

شکل ۱ (مدل پارادایمی تحقیق)، فرایندها و فعالیت‌هایی را نشان می‌دهد که در بستر مطالعه رخ داد. مدل پارادایمی شامل قسمت‌های مختلفی مانند شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بود. همچنین پدیده مرکزی در میانه مدل قرار داشت و فعالیت‌ها و جریان فرایندها حول آن شکل گرفت. پویایی‌های این پژوهش مشخص کرد، پدیده مرکزی «احساس ناشایستگی از والد بودن» است؛ یعنی عواملی که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، احساس ناشایستگی را در والدین به‌وجود می‌آورد و این مضمون منجر به شکل‌گیری احساس گناه در والدین می‌شود.

۴ بحث

در پژوهش حاضر بررسی عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری با روش کیفی صورت گرفت. اساس کار در این تحقیق براساس گزندتئوری بود که داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد و در پنج مرحله عوامل مؤثر در قالب مدل گزندتئوری استخراج گردید. مطالعات گزندتئوری، خود به نظریه منجر می‌شوند. مدل پارادایمی پژوهش حاضر درواقع تئوری استخراج‌شده از میدان پژوهش بود؛ البته این تئوری و این مدل نظری تفاوت ماهوی با نظریه‌های موجود در دنیای علمی دارد. این تئوری‌ها همان‌طور که در پژوهش حاضر مشخص بود، داده‌بنیاد و کوچک‌مقیاس است و براساس توصیف مبدعان این روش یعنی کوربین و استراوس (۲۲) سابسنتیو^۱ به‌شمار می‌رود؛ یعنی نظریه تجربی بوده و از دل داده‌ها برون آمده است؛ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با والدین نشان داد، از نظر والدین دوازده مضمون می‌تواند بر سبک فرزندپروری آن‌ها اثرگذار باشد. این دوازده مضمون شامل سبک فرزندپروری ادراک‌شده والدین، جهت‌گیری مذهبی والدین، تعارضات زناشویی، دخالت اقوام، پاسخ‌دهی والدین، ارزش‌ها، نقش پدر، شرایط اقتصادی، آسیب‌های دوران کودکی، ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات جسمی، احساس گناه و انتظارات والدین است. با توجه به گزندتئوری، دو مضمون برای شرایط علی، چهار مضمون برای شرایط زمینه‌ای، پنج مضمون برای شرایط مداخله‌گر، یک مؤلفه برای راهبردها و یک مؤلفه برای پیامدها استخراج شد.

نتایج پژوهش مشخص کرد، جهت‌گیری مذهبی والدین یکی از عواملی است که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد. همچنین، مذهبی بودن والدین بر کیفیت روش‌های تربیتی آن‌ها اثرگذار است و به پرورش فرزندان پاک و سالم در دامن خانواده‌ای سالم منجر می‌شود. پژوهش‌های همسویی چون بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت

دینی با میزان مذهبی بودن والدین نشان داد، میانگین نمرات جهت‌گیری مذهبی درونی مادر در سبک تربیتی مقتدرانه درمقایسه با سایر سبک‌ها بیشتر است (۲۳). به‌علاوه در همسویی با یافته مذکور پژوهش حاضر می‌توان پژوهش هوروت و سایدبوهام را درباره بررسی تأثیر دین بر زندگی خانوادگی نوجوانان در انگلستان نام برد که مشخص شد، مذهبی بودن والدین در فرزندان نوجوان آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دین بخش جدایی‌ناپذیر زندگی والدین آن‌ها به‌شمار می‌آید (۲۴). نتایج پژوهش غلامی جلیسه درباره بررسی نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک فرزندپروری و خشونت خانوادگی نشان داد، والدینی که جهت‌گیری مذهبی بیشتری دارند، در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند (۲۵). شهسواری دریافت، سبک‌های فرزندپروری می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی ازجمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد؛ بنابراین باید پذیرفت که رفتارهای فرزندپروری ممکن است به‌دلیل فرهنگی و قومیتی و اقتصادی تغییر کند (۲۶). وفانژاد و همکاران در تحقیق مروری نشان دادند، عوامل روان‌شناختی مؤثر بر سبک فرزندپروری به دو عامل تقسیم می‌شود. عوامل مرتبط با والدین (وضعیت روانی، خودکارآمدی، استرس والدین، کمال‌گرایی، ویژگی‌های شخصیتی، آسیب‌های دوران کودکی، رضایت زناشویی، سبک دل‌بستگی والدین، سبک فرزندپروری ادراک‌شده و سوء‌مصرف مواد)؛ عوامل مربوط به کودکان (نا توانی رشدی و ذهنی کودک، خلق و خوی کودک و اضطراب) (۲۷).

نتایج پژوهش مشخص کرد، ویژگی‌های شخصیتی والدین از عوامل تأثیرگذار بر فرزندپروری والدین است. والدین با توافق بیشتر، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و پذیرای تجربیات جدید، با روان‌رنجورخویی کمتر، صمیمی‌تر، سازمان‌یافته‌تر و پایدارتر هستند. همچنین درقبال فرزندان خود پاسخ‌گویی بیشتری دارند (۲۸). در بررسی برگ-نیلسن و همکاران، مادران مبتلا به افسردگی و اضطراب، همچنین والدین با اختلالات شخصیتی خاص، سبک والدینی دارند که اغلب با جنبه‌های منفی‌گرایی مشخص می‌شود (۲۹). در بررسی سیستماتیک کریستین مشخص شد، افسردگی و اضطراب با مشکلات رابطه والد-کودک و تعاملات ضعیف والدین-کودک ارتباط مستقیم دارد (به نقل از ۲۸). در بررسی فراتحلیلی توسط وندر بروگن و همکاران، مشخص شد که ارتباط بین اضطراب کودک و کنترل والدین ناشناخته است. تاریخچه تکامل والدین و نحوه تعامل والدین با والدین خود نیز می‌تواند بر نحوه رفتار آن‌ها با فرزندان نشان در آینده تأثیر بگذارد. اگر والدین در این روابط قبلی دچار اختلال روانی شده باشند، توانایی فرزندپروری آن‌ها می‌تواند تحت تأثیر نامطلوب قرار گیرد (۳۰). والدینی که در دوران کودکی خود عشق را تجربه می‌کنند و وابستگی ایمن به والدین خود دارند، می‌توانند فرزندپروری مثبت‌تری را در بزرگسالی برای فرزندان خود نشان دهند؛ درحالی‌که دل‌بستگی‌های نایمن ممکن است یک عامل خطر برای فرزندپروری آینده باشد و ظرفیت‌های فرزندپروری مثبت آن‌ها را کاهش دهد. به‌علاوه مطالعات نشان داد، چگونه آسیب‌های دوران کودکی و نیز آزار جسمی و جنسی

^۱. Substantive

این نظریه، تجربه آزارگری در دوران کودکی در سنین تحول، مانع کسب و فراگیری نقاط عطف مهم تحولی خواهد شد. در آزارگری دوران کودکی، از آنجاکه فرد به طور دائم مجبور است خلق منفی مکرر خود را مدیریت کند، ظرفیت فرد برای تنظیم مؤثر هیجاناتش به شدت کاهش می یابد. نکته دیگر این است که در آزارگری، به جای اینکه فرد بتواند هیجانات خود را به خوبی الگوگیری و ابراز کند، هیجانات نادیده گرفته می شود و حتی ممکن است جلوی آن ها گرفته و فرد برای ابراز آن تنبیه شود؛ در نتیجه توانایی کودک به منظور بیان و توصیف و تفسیر هیجاناتش به خطر می افتد و هیجانات منبع ناشناخته ای که ممکن است باعث پریشانی شوند، انگاشته می شوند (۳۶). در چنین حالتی فرد در طول دوره تحولی خود فرصتی برای شناسایی هیجانات و خواسته ها و توانایی های خود پیدا نمی کند. این مسئله ممکن است سبب شود این افراد در بزرگسالی به هیجانات خود توجه نداشته باشند و در نتیجه نمی توانند به درک و تصور درستی از خود دست یابند؛ در نتیجه در دوره شکل گیری هویت فرصتی برای شناخت خود پیدا نخواهند کرد.

در تبیین یافته پژوهش مبنی بر تأثیر تعارضات زناشویی بر سبک فرزندپروری والدین می توان گفت، زمانی که والدین وقت کمتری را برای رسیدگی به فرزندان داشته باشند، موجب می شود از نیازها و خواسته های فرزندان غافل بمانند و نظارت و آگاهی آن ها درباره امور فرزندان نیز کمتر شود. این زنجیره به کاهش انگیزه های تحصیلی و افت تحصیلی منجر می شود. همچنین یافته های پژوهش گروندی نشان داد، وقتی تعارض زناشویی زیاد باشد، فرزندان باور می کنند که میزان آگاهی والدینشان از وضعیت آن ها کم است. این ادراک باعث می شود فرزندان احساس کنند دارای قابلیت های ضعیفی هستند و والدین به آن ها اعتقادی ندارند؛ از این رو این عقیده فرزندان که والدین از وضعیت آن ها بی خبر هستند، نوعی احساس ناتوانی و بی کفایتی را به همراه دارد و سبب می شود آن ها نگرش مثبت و انگیزه کافی نداشته باشند (۳۷). براساس نتایج پژوهش، شرایط اقتصادی خانواده در تعیین سبک های فرزندپروری والدین تأثیر داشت. درخصوص شرایط اقتصادی خانواده می توان به ابعاد آن شامل اقتصاد خانواده و مدیریت کردن اقتصاد خانواده توسط والدین، اشاره کرد. در زمینه تأثیر اقتصاد خانواده در روش تربیتی والدین پژوهشی وجود نداشت که به طور مستقیم به این مسئله پرداخته باشد؛ اما تلاش شد پژوهش هایی که تا اندازه ای به موضوع پژوهش نزدیک است برای پیشینه استفاده شود؛ به گونه ای که می توان در همسویی به نتایج این پژوهش ها اشاره کرد: نتایج پژوهش عزیزی و همکاران در ارتباط با فقر اقتصادی و کج رفتاری اجتماعی جوانان شهر تهران و شمیرانات مشخص کرد، بین فقر اقتصادی و کج رفتاری به صورت غیرمستقیم رابطه معناداری وجود دارد (۳۸)؛ نتایج مطالعه مروری بیات شاهپرست و عباسی نشان داد، تمام مؤلفه های مربوط به سلامت کودکان با سطح اقتصادی والدین به خصوص مادران مرتبط است (۳۹)؛ نتایج پژوهش سالیس و گلانز نشان داد، درآمد خانواده بر محیط هایی که کودکان در آن زندگی می کنند و بسیاری از عواملی که به رشد مثبت کمک می کنند، از جمله دسترسی به غذاهای سالم، فضاهای امن، مراقبت های پزشکی و مراقبت و

عاطفی در دوران کودکی، می تواند سبک های فرزندپروری را در آینده شکل دهد. تجربه این آسیب ها به طور مشابه منجر به آسیب های عاطفی و اجتماعی و اختلال در تعاملات والدین و فرزند می شود و در نتیجه والدین را وادار به اتخاذ سبک های فرزندپروری منفی می کند (۲۷). تحقیق بایلی و همکاران نشان داد، مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط تنگاتنگی با مشکلات روانی والدین دارد. هرچه مشکلات روانی والدین شدیدتر باشد ظهور مشکلات فرزندان سریع تر خواهد بود (۳۱). کریج و همکاران دریافتند، چنانچه مادری دچار افسردگی شدید یا اختلال وحشت باشد، کودک احتمالاً دچار مشکلات رفتاری هیجانی خواهد شد (۳۲). در تحقیق محمداسماعیل و موسوی به این نتیجه رسیدند، مادری که دارای روحیه ای ضعیف است احساس درماندگی می کند و دچار احساس خشم و افسردگی می شود و همین حالات در فرزند به طور مستقیم تأثیرگذار خواهد بود (۳۳). همچنین مادران پراسترس ممکن است توانایی مراقبت های لازم را برای رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی کودکان نداشته باشند و همین امر بر سبک فرزندپروری آن ها تأثیر بگذارد (۳۴). در همین رابطه نتایج پژوهش ولج و لیبری نشان داد، کیفیت روابط والدین و فرزند در تعامل والد-فرزند نقش مهمی دارد (۳۵).

همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر، نقش پدر در خانواده و درگیری و مشارکت پدر با فرزندان یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری والدین بود. درباره اینکه چگونه پدر بودن با مادر شدن تفاوت دارد و چگونه رفتار هریک از والدین بر رشد کودک تأثیر می گذارد، بحث های زیادی وجود دارد (۲۷). اخیراً سابرا^۱ و همکاران روی فرایندهای پویا و متقابل متمرکز شدند که توسط آن ها پدران بر رشد کودک تأثیر می گذارند. آن ها در گسترش الگوی خود به فرایندهای تحت تأثیر قرارگرفتن فرزندان از پدران و به تفاوت پدر بودن با مادر بودن اشاره کردند (به نقل از ۹)؛ برای مثال، پدران در تعامل با فرزندان شان با مادران متفاوت هستند؛ زیرا پدران بیشتر احتمال دارد فرزندان خود را اذیت کنند، درگیر بازی های خشن و تند و زننده شوند، فرزندان خود را تشویق به انجام کارهای پرخطر کنند و مانع بسیاری از فعالیت های شیرخواران خود شوند (۳).

براساس یافته های پژوهش حاضر، آسیب های دوران کودکی که والدین تجربه کردند از دیگر متغیرهایی بود که فرزندپروری آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد. از نظر فروید، مراحل رشد بلوک های ساختمان دوران کودکی هستند و دوران کودکی مرحله ای از زندگی است که سازوکارهای ابتدایی درون رفتار کودک طراحی می شود و به تدریج و با گذشت زمان شایستگی مشارکت در فعالیت های روزمره را کسب می کند و در آخر تبدیل به یک بزرگسال می شود. از نظر فروید مراحل رشد روانی جنسی، شخصیت فرد و رشد آن را شکل می دهد. تجارب افراد در خلال دوران کودکی و نوجوانی، مسیر رفتار آینده آن ها را تعیین می کند (به نقل از ۳۵). در تبیین این مسئله می توان به مدل نظریه کیچتی و لینچ درباره ضربه های روانی دوران کودکی اشاره کرد. این نظریه بیان می کند چگونه عوامل خطرزا، در دوران کودکی نظیر آزارگری هیجانی و جنسی و فیزیکی، به تأثیرات درازمدت در فرد منجر می شود. طبق

^۱. Cabrera

آموزش با کیفیت بالا تأثیر می‌گذارد (۴۰).

می‌کند. به‌علاوه به استفاده‌کنندگان از نتایج پژوهش، به‌خصوص سازمان آموزش و پرورش، مدارس، فرهنگ‌سراها، کانون‌های تربیتی آموزش و پرورش، کانون‌های فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی پیشنهاد می‌شود، در دوران آموزش رسمی و تحصیلات دانشگاهی آموزش‌هایی در زمینه سبک‌های تربیتی، به‌خصوص برای والدین در نظر گرفته شود.

۵ نتیجه‌گیری

باتوجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت، شرایط اقتصادی، آسیب‌های دوران کودکی، نوع رابطه والدین با والدین خود و دیدگاه مذهبی بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد؛ ازاین‌رو والدین برای غلبه بر این عوامل یا گاهی اوقات سرکوب آن‌ها پاسخ‌دهی نامناسبی به نیازهای فرزندان خود دارند؛ این راهبرد به دلیل اینکه راهبرد جبرانی است باعث به‌وجودآمدن احساس ناشایسته‌بودن در والدین می‌شود. زمانی که والدین احساس ناشایستگی از والدبودن را تجربه کنند، در نتیجه درگیر احساس گناه در رابطه با فرزندشان می‌شوند و خود را والد بد تصور می‌کنند.

۶ تشکر و قدردانی

از مسئولان مدارس و والدینی که در مطالعه حاضر ما را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر در راستای رعایت اخلاق پژوهش فرم رضایت‌نامه کتبی امضا شده از بیماران دریافت کرد؛ همچنین اطلاعات لازم در زمینه پژوهش به صورت مکتوب در اختیار افراد قرار گرفت. افراد داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. به آن‌ها در زمینه رازداری و محفوظ ماندن اطلاعات اطمینان داده شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس بودن

داده‌ها و مواد داده‌های پژوهش در پیوست رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دردسترس است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش با حمایت مالی سازمان یا نهادی انجام نشده و هزینه‌های آن توسط نویسندگان مقاله تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

باتوجه به اینکه مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است، نویسنده اول (دانشجو) با همراهی و راهنمایی‌های اساتید راهنما و مشاور کل پژوهش را انجام داد.

براساس نتایج پژوهش، وجود فرزندان با مشکلات جسمی در خانواده باعث می‌شود والدین سبک فرزندپروری خود را در ارتباط با این فرزندان تغییر دهند. به عبارت دیگر ترحم و دلسوزی و توجه بیشتری به آن‌ها خواهند داشت که این امر خود می‌تواند آسیب‌رسان باشد. میزان آسیب‌پذیری خانواده در مقابل این مشکلات گاه به حدی است که وضعیت سلامت روانی خانواده دچار آسیب شدیدی می‌شود؛ ازجمله احساساتی مثل گناه و تقصیر و ناکامی ناشی از عادی‌نبودن کودک می‌تواند سبب گوشه‌گیری مادر و علاقه‌نداشتن به برقراری رابطه با محیط و احساس خودکم‌بینی، بی‌ارزشی، غم و اندوه، بروز افسردگی و در کل دستخوش هیجانات منفی مختلفی شود (۴۱).

عواملی که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، احساس شایسته‌بودن یا ناشایسته‌بودن را در والدین به وجود می‌آورد. اگر والدین در فرزندپروری خود موفق عمل نکنند، احساس ناشایستگی خواهند داشت. احساس شایستگی، درک والدین از توانایی خود برای ایجاد تأثیرات مثبت بر رفتار و رشد و تکامل فرزند است و باور والدین به اینکه به‌طور مؤثر می‌توانند وظایف والدی خود را مدیریت کنند (۴۲). احساس شایستگی با گرمی و صمیمیت والد با کودک و مسئولیت‌پذیری آن‌ها ارتباط دارد. برای اینکه والدین بتوانند مراقبت و حمایت کافی از کودک خود به عمل آورند، باید از آرامش روحی برخوردار باشند؛ بنابراین اگر زمینه و بستر مناسب برای زندگی فراهم شود، والدین احساس شایستگی بهتری خواهند داشت (۴۳).

احساس ناشایسته‌بودن از والدگری باعث می‌شود احساس گناه در رابطه با فرزندان شکل بگیرد و والدین خود را پدر یا مادر خوبی برای فرزندان نشان ندهند؛ به‌طور مثال اسلوب‌دین و همکاران دریافتند، احساس گناه در رابطه با فرزندان پیش‌بینی‌کننده شیوه‌های فرزندپروری است و خود تحت تأثیر حمایت افراطی والدین یا کنترل‌گری بیش‌ازحد قرار دارد. (۴۴).

پژوهش حاضر مقدمه کوچکی بر موضوع وسیع عوامل تأثیرگذار بر فرزندپروری والدین بود. به یقین شناخت دقیق‌تر این مسئله مستلزم انجام پژوهش‌های بیشتر در این حیطه است. در پژوهش حاضر فقط به مسئله مذکور از منظر مادران کودکان دبستانی و ساکن در شهر شاهرود، پرداخته شد. برای شناخت دقیق و عمیق عوامل تأثیرگذار بر فرزندپروری در ایران لازم است این حیطه از پژوهش از نظر پدران و مادران، در دیگر گروه‌های سنی و در قومیت‌های مختلف نیز تکرار و مقایسه شود. از نتایج این مطالعه می‌توان در تدوین و اجرای برنامه‌های مداخله سلامت خانواده استفاده کرد. همچنین، پزشکان، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و مشاوران ممکن است عوامل روان‌شناختی مؤثر بر سبک‌های فرزندپروری گزارش شده در این پژوهش را برای مداخلات بیشتر در نظر بگیرند. ارزیابی وضعیت سلامت روانی والد-کودک و نیز آموزش فرزندپروری مثبت به تعاملات مثبت والد-کودک کمک

References

1. Carr A. Family therapy and systemic interventions for child-focused problems: the current evidence base: child-focused problems. J Fam Ther. 2019;41(2):153–213. <https://doi.org/10.1111/1467-6427.12226>
2. O'Connor TG, Scott S. Parenting and outcomes for children. London: Joseph Rowntree Foundation; 2007.

3. Cobb-Clark DA, Salamanca N, Zhu A. Parenting style as an investment in human development. *J Popul Econ*. 2019;32(4):1315–52. <https://doi.org/10.1007/s00148-018-0703-2>
4. Becher ST. Adolescents' self-efficacy toward healthy lifestyle behaviors after attending a school-based intervention course focused on physical activity and healthy eating [PhD dissertation]. [Ohio, US]: The Ohio State University; 2009.
5. Noohi S. Asar bakhshi amoozesh jame farzand parvari salamat mehvar be madaran daraye sabke valedgari sahl gir va sakht gir rooye ertegha shakhes haye salamat koodakan fozoon vazn [The effectiveness of comprehensive health-oriented parenting training for mothers with permissive and strict parenting styles on improving the health indicators of overweight children] [PhD dissertation]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University of Tehran; 2014. [Persian]
6. Davies PT, Coe JL. Family relationship dynamics: a developmental perspective. In: Fiese BH, Celano M, Deater-Deckard K, Jouriles EN, Whisman MA; editors. *APA handbook of contemporary family psychology: foundations, methods, and contemporary issues across the lifespan (Vol 1)*. Washington: American Psychological Association; 2019. <https://doi.org/10.1037/0000099-010>
7. Abedini Baltork M, Mir Shamsi FS. Correlation between resilience and mental health with lifestyle and parenting styles of veterans' spouses a case study of Ardakan city. *Iran J War Public Health*. 2019;11(3):161–7. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/ijwph.11.3.161>
8. Parcham A, Fatehi Zadeh MS, Allah Yari H. Moghayeseye sabk haye farzand parvari Bamring ba sabk farzand parvari masoolane dar Islam [Comparison of the parenting styles of good parenting with the responsible parenting style in Islam]. *Research in Islamic Education Issues*. 2011;20(14):115–38. [Persian] https://iej.ihu.ac.ir/article_200808.html?lang=en
9. Doinita NE, Maria ND. Attachment and parenting styles. *Procedia Soc Behav Sci*. 2015;203:199–204. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.282>
10. Lungarini A. Parenting styles and their relationship with anxiety in children [Thesis for MSc]. [Rhode Island, United States]: University of Rhode Island; 2015.
11. Baumrind D. Effective parenting during the early adolescent transition. In: Cowan PA, Hetherington EM; editors. *Family transition*. Hillsdale, NJ: Lawrence Earlbaum Associate; 1991.
12. Refahi Z, Taheri M. Predicting mothers' parenting styles based on their early schemas and attachment styles. *Woman & Society*. 2019;10(37):167–96. [Persian] https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_3400.html?lang=en
13. Kloep M. When parents discuss the price of bread: Albanian children and the economic crisis. In: Best J; editor. *Troubling children: studies of children and social problems*. New York: Treansaction Publishers; 1994.
14. Agbaria Q, Mahamid F, Veronese G. The association between attachment patterns and parenting styles with emotion regulation among Palestinian preschoolers. *SAGE Open*. 2021;11(1):215824402198962. <https://doi.org/10.1177/2158244021989624>
15. Cole PM, Lougheed JP, Ram N. The development of emotion regulation in early childhood: a matter of multiple time scales 1. In: Cole PM, Hollenstein T; editors. *Emotion regulation: a matter of time*. First edition. Routledge; 2018.
16. Gorostiaga A, Aliri J, Balluerka N, Lameirinhas J. Parenting styles and internalizing symptoms in adolescence: a systematic literature review. *Int J Environ Res Public Health*. 2019;16(17):3192. <https://doi.org/10.3390/ijerph16173192>
17. Mishra P, Kiran UV. Parenting style and social anxiety among adolescents. *Internat J Appl Home Sci*. 2018;5(1):117–23.
18. Bryant RA, Edwards B, Creamer M, O'Donnell M, Forbes D, Felmingham KL, et al. The effect of post-traumatic stress disorder on refugees' parenting and their children's mental health: a cohort study. *Lancet Public Health*. 2018;3(5):e249–58. [https://doi.org/10.1016/s2468-2667\(18\)30051-3](https://doi.org/10.1016/s2468-2667(18)30051-3)
19. Moltafet G, Sadati Firoozabadi SS, Pour-Raisi A. Parenting style, basic psychological needs, and emotional creativity: a path analysis. *Creativity Research Journal*. 2018;30(2):187–94. <https://doi.org/10.1080/10400419.2018.1446748>
20. Zhong X, Wu D, Nie X, Xia J, Li M, Lei F, et al. Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. *BMC Geriatr*. 2016;16(1):135. <https://doi.org/10.1186/s12877-016-0308-0>
21. Zarenejad H, Belaghat SR. Rabeteye beyn tipe shakhsiati valedeyn ba sabk farzand parvari anan [The relationship between parents' personality type and their parenting style]. In: *National Conference on Psychology and Social Damage Management [Internet]*. Tehran; 2014. [Persian]
22. Corbin J, Strauss A. *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. California, United States: SAGE Publications, Inc.; 2008. <https://dx.doi.org/10.4135/9781452230153>
23. Heidari M, Dehghani M, Khodapanahi MK. Investigating the effect of perceived parenting style and gender on self-impairment. *Family Research*. 2009;5(2):125–37. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_95463.html?lang=en

24. Horwath J, Lees J, Sidebotham P. The influence of religion on adolescent family life in England: an explanatory study of the views of young people and parents. *Social Compass*. 2012;59(2):257-75. <http://dx.doi.org/10.1177/0037768612440967>
25. Gholami Jalise S. Barrasi jahatgiriye mazhabi valeden dar sabkhaye farzandparvari va khoshunate khanevadegi [Investigating the role of parents' religious orientation in parenting styles and family violence]. [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: University of Tehran; 2007. [Persian]
26. Shahsavari M. A general overview on parenting styles and its effective factors. *Aust J Basic Appl Sci*. 2012;6(8):139-42.
27. Vafaenejad Z, Elyasi F, Moosazadeh M, Shahhosseini Z. Psychological factors contributing to parenting styles: a systematic review [version 2; peer review: 1 approved, 2 not approved]. *F1000Research*. 2020;7:906.
28. Dickson E, Agyemang CB, Afful J. Parental personality and parenting style: a Ghanaian perspective. *Developing Country Studies*. 2014;4(5):116-28.
29. Berg-Nielsen TS, Vikan A, Dahl AA. Parenting related to child and parental psychopathology: a descriptive review of the literature. *Clin Child Psychol Psychiatry*. 2002;7(4):529-52. <https://doi.org/10.1177/1359104502007004006>
30. Van Der Bruggen CO, Stams GJJM, Bögels SM. Research review: the relation between child and parent anxiety and parental control: a meta-analytic review. *J Child Psychol Psychiatry*. 2008;49(12):1257-69. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2008.01898.x>
31. Bailey HN, DeOliveira CA, Wolfe VV, Evans EM, Hartwick C. The impact of childhood maltreatment history on parenting: a comparison of maltreatment types and assessment methods. *Child Abuse & Neglect*. 2012;36(3):236-46. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2011.11.005>
32. Craig SG, Sierra Hernandez C, Moretti MM, Pepler DJ. The mediational effect of affect dysregulation on the association between attachment to parents and oppositional defiant disorder symptoms in adolescents. *Child Psychiatry Hum Dev*. 2021;52(5):818-28. <https://doi.org/10.1007/s10578-020-01059-5>
33. Mohammad Esmael E, Mousavi H S. An investigation on mental health of mothers with behaviorally disordered children. *Journal of Exceptional Children*. 2003;3(2):105-16. [Persian]
34. Decaluwé V, Braet C, Moens E, Van Vlierberghe L. The association of parental characteristics and psychological problems in obese youngsters. *Int J Obes [Lond]*. 2006;30(12):1766-74. <https://doi.org/10.1038/sj.ijo.0803336>
35. Welch S, Liperi M. The role of attachment between caregiver and child in oppositional defiant disorder. In: 17th Annual Spfc Research Conference [Internet]. Seattle Pacific University; 2019.
36. Cicchetti D, Lynch M. Toward an ecological/transactional model of community violence and child maltreatment: consequences for children's development. *Psychiatry*. 1993;56(1):96-118. <https://doi.org/10.1080/00332747.1993.11024624>
37. Grundy AM. Parental awareness as a mediator of the relation between marital conflict and adolescent behavior conduct competence [Thesis for MSc]. [Indiana, United States]: University of Notre Dame; 2055.
38. Azizi J, Hedarkhani H, Hojat S. Faghre eghtesadi va kajraftariye ejtema'iyeh nojavanan (nemuneh amariye dhahre Tehran va shemiranat) [Economic poverty and social behavior of young people (statistical sample of Tehran and Shemiranat cities)]. In: National Conference on the Pathology of Youth Issues [Internet]. Islamic Azad University, Branch Falavarjan; 2011. [Persian]
39. Bayat Shahparast F, Abbasi K. The effect of economics on health of children. *Pajouhan Sci J*. 2020;18 (3):3-9. doi: [10.52547/psj.18.3.3](https://doi.org/10.52547/psj.18.3.3) [Persian]
40. Sallis JF, Glanz K. The role of built environments in physical activity, eating, and obesity in childhood. *The Future of Children*. 2006;16(1):89-108. <https://doi.org/10.1353/foc.2006.0009>
41. Nazarifar M, Ghane'ifar N. Effectiveness of group counseling based on logotherapy on feelings of loneliness and depression of mothers with children with learning disabilities. *Women Interdisciplinary Research*. 2020;3(3):19-31. [Persian] <http://wir.fatemiyezhshiraz.ac.ir/Article/24276>
42. Afshar K, Kord Tamini B, Kehrazei F. The mediating role of cognitive-emotion regulation strategies in the relationship between theory of mind with negative emotions (anxiety, depression, stress) of parents of exceptional children in mashhad daily rehabilitation centers. *Journal of Cognitive Psychology*. 2018;7(2):1-17. [Persian] <http://jcp.khu.ac.ir/article-1-3148-en.html>
43. Slagt M, Deković M, de Haan AD, van den Akker AL, Prinzie P. Longitudinal associations between mothers' and fathers' sense of competence and children's externalizing problems: the mediating role of parenting. *Dev Psychol*. 2012;48(6):1554-62. <https://doi.org/10.1037/a0027719>
44. Slobodin O, Cohen R, Arden A, Katz I. Mothers' need frustration and controlling parenting: the moderating role of maternal guilt. *J Child Fam Stud*. 2020;29(7):1914-26. <https://doi.org/10.1007/s10826-020-01720-6>